مجله اقتصادی - دوماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی
شماره‌های ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۹۱، صفحات ۵۲- ۴۱

سیاست‌های پولی، مالی و تولید بخش کشاورزی

سیدجمال‌الدین محسنی‌زنوزی
استادیار اقتصاد دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه ارومیه
jmzonouzi@yahoo.com

امید محمدقلی‌پور
کارشناس‌ارشد اقتصاد
omid_mohamadgolipor@yahoo.com

علاوه بر اهمیت بخش کشاورزی به‌عنوان بخشی محوری در رشد و توسعه اقتصادی و بخشی راهبردی در جهت تأمین نیازهای غذایی سیاست‌های کشور در جهت رهایی از وابستگی به درآمدهای نفتی، توسعه صادرات غیرنفتی و همچنین تولید محصولات استراتژیک ایجاب می‌نماید که عوامل مؤثر جهت رشد تولید بخش کشاورزی مورد بررسی قرار گیرند. از جمله سیاست‌هایی که به‌طور گسترده در اقتصاد کلان برای دستیابی به رشد اقتصادی مطرحند سیاست‌های پولی و مالی می‌باشند. در این تحقیق، رابطه بین سیاست‌های پولی و مالی و ارزش‌افزوده واقعی بخش کشاورزی در طول برنامه‌های پنج‌ساله توسعه پس از انقلاب و مطالعات پیشین بررسی شده است. نتایج حاکی از آن است که در طول برنامه‌های توسعه هر زمان با سیاست‌های پولی و مالی انبساطی‌تری مواجه بودیم، ارزش‌افزوده بخش کشاورزی نیز رشد بیشتری داشته است. در مطالعات پیشین بررسی شده نیز اگرچه سیاست پولی بر ارزش‌افزوده این بخش تأثیر متفاوت نشان داد، اما سیاست مالی انبساطی همواره تأثیر مثبت بر آن داشته است.

طبقه‌بندی JEL: O13, O23, O53.

واژه‌های کلیدی: سیاست پولی، سیاست مالی، تولید بخش کشاورزی، برنامه‌های توسعه پنج‌ساله.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۷/۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۱/۲

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-02]

۱. مقدمه

بخش کشاورزی به لحاظ دارا بودن قابلیت‌ها و ظرفیت‌های قابل‌توجه و نقشی که در تأمین مواد اولیه برخی صنایع و مواد غذایی مردم دارد از اهمیت بالایی برخوردار است. اهمیت این بخش زمانی آشکار می‌شود که ویژگی‌های چندگانه این بخش و تأثیری که در تأمین توسعه روستایی ایفا می‌نماید نیز مدنظر قرار گیرد. بخش کشاورزی در کشورهای کمتر توسعه‌یافته و درحال‌توسعه از جمله ایران به‌عنوان یکی از بخش‌های قدیمی در اقتصاد مطرح می‌باشد و در زمینه تولید، اشتغال، امنیت غذایی، مبادلات خارجی و مزیت‌های نسبی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و دارای نقشی کلیدی در جریان توسعه اقتصادی می‌باشد. از سوی دیگر، سیاست‌های کشور در جهت رهایی از اقتصاد تک محصولی، توسعه صادرات غیرنفتی و همچنین تولید محصولات استراتژیک ایجاب می‌نماید عوامل مؤثر جهت دستیابی به این اهداف از جمله افزایش تولید بخش کشاورزی مورد بررسی قرار گیرد(ساسولی و صالح، ۱۳۸۶). پس از انقلاب، توجه به بخش کشاورزی بیش از پیش مبذول شد، اما بررسی برنامه‌های توسعه نشان می‌دهد هر چند در برخی زیربخش‌های کشاورزی عملکرد به‌دست آمده بیش از هدف تعیین‌شده بود، اما در برخی زیربخش‌ها فاصله بین عملکرد و هدف بسیار زیاد بود و اقدامات صورت‌گرفته در چارچوب برنامه‌ها نتوانسته اهداف موردنظر را محقق سازد (حکیمی‌پور و کریمی، ۱۳۸۳). بنابراین می‌بایست با بررسی تأثیر سیاست‌ها و ابزارهای مختلف به انتخاب سیاست‌های مناسب در جهت دستیابی به رشد این بخش اقدام نمود.

سیاست‌های پولی و مالی از مهم‌ترین سیاست‌هایی هستند که در زمینه مدیریت تقاضا مورد استفاده قرار می‌گیرند. اجرای این سیاست‌ها یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاستگذاری برای دستیابی به اهداف کلان اقتصادی از جمله توزیع عادلانه درآمد، افزایش نرخ رشد اقتصادی و سطح اشتغال و ثبات قیمت‌ها می‌باشد (مجدزاده‌طباطبایی، ۱۳۷۶). سیاست‌های مالی دولت با استفاده از ابزار هزینه جاری، عمرانی و درآمدهای مالیاتی و غیرمالیاتی و سیاست‌های پولی دولت از راه متغیرهای پولی و ارزی اعمال می‌شوند (برانسون، ۱۳۸۲).

در این تحقیق، رابطه بین سیاست‌های پولی و مالی و ارزش‌افزوده واقعی بخش کشاورزی در طول برنامه‌های پنج‌ساله توسعه پس از انقلاب و مطالعات پیشین با بررسی حجم نقدینگی به‌عنوان نماینده سیاست پولی، حجم مخارج دولت به‌عنوان نماینده سیاست مالی و ارزش‌افزوده بخش کشاورزی انجام می‌شود.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-02]

ساماندهی مقاله به این صورت می‌باشد که در ادامه ابتدا ادبیات نظری ذکر خواهد شد. سپس، در بخش سوم بخشی از مطالعات داخلی و خارجی انجام شده و جمع‌بندی آنها ارائه می‌گردد. در گام بعد، روند این متغیرها در طول برنامه‌های توسعه بررسی و در نهایت نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

۲. ادبیات نظری

سیاست‌های پولی و مالی از مهم‌ترین سیاست‌های کلان اقتصادی می‌باشند که در رشد و توسعه اقتصادی نقش بسزایی ایفا می‌نمایند. دولت‌ها با بکار بردن ابزارهای سیاست‌های پولی و مالی که در اختیار دارند در جابجایی تقاضای کل اقتصاد تأثیر گذاشته و سبب ایجاد تغییرات موردنظر در سرمایه‌گذاری و تولید می‌گردند. به‌طور کلی، سیاست‌های اقتصادی به دو دسته سیاست‌های طرف عرضه و طرف تقاضا تقسیم می‌شوند که سیاست‌های طرف تقاضا شامل سیاست‌های پولی و مالی هستند. سیاست مالی مجموعه تدابیر و اقداماتی است که نظام مالی دولت را از لحاظ درآمدها و هزینه‌ها به‌منظور دستیابی به اهداف اقتصادی تحت تأثیر قرار می‌دهد. به‌عبارت دیگر، تغییرات آگاهانه در اندازه، ترکیب و زمان‌بندی هزینه‌ها و درآمدهای دولت‌ها را اتخاذ سیاست مالی می‌گویند. سیاست پولی از طریق تغییر در حجم و رشد پول، نرخ بهره، تغییر نرخ ارز و شرایط اعطاء تسهیلات مالی صورت می‌گیرد. ابزارهای اصلی سیاست پولی عبارتند از نرخ ذخیره قانونی بانک‌ها، تغییر در نرخ تنزیل مجدد و نرخ ارز و عملیات بازار باز.

در مورد تأثیرگذاری سیاست‌های پولی و مالی دیدگاه‌های متفاوتی در اقتصاد کلان مطرح است. علیرغم اینکه اقتصاددانان کلاسیک به عدم دخالت دولت و ناکارایی سیاست‌های پولی و مالی معتقدند کینزین‌ها بر مؤثر بودن سیاست‌های پولی به‌ویژه مالی (به‌دلیل اثر مستقیم آنها) تأکید دارند. پول‌گرایان، اعمال سیاست پولی باثبات و غیرصلاحدیدی را توصیه می‌کنند و از دید مکتب کلاسیک‌های جدید افزایش پیش‌بینی شده در عرضه پول سطح قیمت‌ها را بالا خواهد برد و تأثیری بر تولید و اشتغال حقیقی ندارد و تنها غافلگیری‌های پولی پیش‌بینی نشده می‌توانند متغیرهای حقیقی را آن هم در کوتاه‌مدت متأثر سازند. خنثایی پول هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت یکی از ویژگی‌های مهم مکتب دوره‌های تجاری حقیقی است. در مدل کینزین‌های جدید که بر چسبندگی قیمت‌ها تأکید دارند مجدداً بر مؤثر بودن سیاست‌ها تأکید می‌شود، در حالی‌که پیروان مکتب اطریشی، طرفداران بازارهای آزاد و مکانیزم دست نامرئی هستند. در مقابل، پساکینزین‌ها معتقدند که بازارها به دخالت دولت نیاز دارند (اسنودن و همکاران، ۱۳۸۳). مطالعات متعددی در زمینه تأثیرگذاری سیاست‌های پولی و مالی در رابطه با کشورهای توسعه‌یافته صورت پذیرفته است که

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-02]

بیشتر آنها به این نتیجه رسیده‌اند که سیاست پولی دارای تأثیر نسبی بیشتری است، اما این نتایج را نمی‌توان عیناً برای کشورهای درحال‌توسعه مانند ایران و همچنین برای بخش‌های مختلف اقتصادی به‌طور یکسان تعمیم داد، زیرا تحقیقاتی که در رابطه با کشورهای درحال‌توسعه صورت گرفته‌اند نتایج متفاوتی را در این زمینه گزارش نموده‌اند (سبحانی، ۱۳۷۵).

۳. مطالعات پیشین

در ادامه، به برخی از مطالعات صورت‌گرفته در زمینه تأثیرگذاری سیاست‌های پولی و مالی اشاره می‌شود (موسوی و همکاران، ۱۳۸۹). اثر مخارج دولت به‌عنوان سیاست مالی بر ارزش‌افزوده دو بخش صنعت و کشاورزی را با استفاده از مدل تصحیح خطای برداری و توابع واکنش ضربه‌ای مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج به‌دست آمده از این مطالعه تأثیر مثبت و معنادار و سیاست‌های مالی انبساطی را در کوتاه‌مدت و بلندمدت بر ارزش‌افزوده بخش کشاورزی نشان داده‌اند. در بخش صنعت نیز مخارج دولت در سطح اعتماد ۷۵ درصد و در کوتاه‌مدت بر ارزش‌افزوده این بخش اثر مثبت داشته است.

حاجیان و همکاران (۱۳۸۶) در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی تأثیر سیاست‌های پولی و مالی بر متغیرهای عمده بخش کشاورزی ایران" تأثیر این سیاست‌ها را بر ارزش‌افزوده بخش کشاورزی و دیگر متغیرهای عمده این بخش شامل صادرات، قیمت و سرمایه‌گذاری برای دوره زمانی (۱۳۸۳-۱۳۵۰) با استفاده از مدل VAR پرداخته‌اند. نتایج به‌دست‌آمده عبارتند از:

- تأثیر سیاست پولی (نقدینگی) بر ارزش‌افزوده، قیمت و صادرات مثبت و اثر مربوط به سرمایه‌گذاری در این بخش منفی است.
- تأثیر سیاست‌های مالی (مخارج دولت) بر ارزش افزوده، صادرات و قیمت در بخش کشاورزی مثبت و اثر مربوط به سرمایه‌گذاری منفی است.
- آثار کوتاه‌مدت سیاست پولی بر ارزش‌افزوده، صادرات و سرمایه‌گذاری بیش از سیاست مالی بوده است.
- تاثیر بلندمدت سیاست‌های مالی بیش از سیاست پولی بوده است.
- اثر سیاست پولی بر قیمت محصولات کشاورزی در کوتاه‌مدت و بلندمدت بیشتر است.

ساسولی و صالح (۱۳۸۶) به بررسی تأثیر سیاست پولی و مالی از طریق ابزارهای حجم نقدینگی و مخارج دولت بر ارزش‌افزوده بخش کشاورزی طی دوره (۱۳۸۳-۱۳۵۶) پرداخته‌اند. آنها از روش خودرگرسیونی با وقفه‌های توزیعی استفاده نموده‌اند. روش بنرجی، دولادو و مسترز[1]

1. Banerjee, Dolado and Mestre

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-02]

برای آزمون رابطه بلندمدت وجود رابطه بلندمدت را تأیید کردند و نتایج حاکی از آن است که سیاست مالی تأثیر مثبت و سیاست پولی تأثیر منفی بر ارزش‌افزوده بخش کشاورزی دارد.

مجتهد و شریفی (۱۳۸۳) برای بررسی تأثیر سیاست‌های پولی و مالی در رشد بخش کشاورزی از رهیافت خود هم‌انباشتگی مبتنی بر یک دستگاه VAR ساختاری استفاده نمود و ارتباط بین متغیرهای مخارج دولتی و حجم پول به‌عنوان ابزارهای سیاستی را با سطح تولید تعادلی بخش کشاورزی طی دوره (۱۳۸۰-۱۳۵۰) بررسی نمود. نتایج حاکی از آن است که در بلندمدت اجرای سیاست مالی انبساطی یعنی افزایش مخارج عمرانی دولت باعث افزایش در رشد بخش کشاورزی و اجرای سیاست پولی یعنی افزایش حجم پول و نرخ واقعی ارز باعث کاهش رشد آن می‌شود.

مقدسی و یزدانی (۱۳۸۲) در مطالعه‌ای تحت عنوان "تأثیرگذاری سیاست‌های پولی و مالی بر بخش کشاورزی"میزان تأثیرپذیری ارزش‌افزوده، قیمت، صادرات و سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی از سیاست‌های پولی و مالی طی دوره (۱۳۸۰-۱۳۵۰) را به روش VAR مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاصل از این تحقیق وجود ارتباط مثبت میان سیاست مالی (مخارج دولت در بخش کشاورزی) با متغیرهای بخش کشاورزی را در بلندمدت نشان دادند. سیاست پولی (حجم نقدینگی) تأثیر مثبت بر متغیرهای بخش بجز سرمایه‌گذاری داشته، اما تأثیر سیاست مالی بر رشد تولید بخش کشاورزی بیش از سیاست پولی بوده است. همچنین، سیاست پولی در بلندمدت اثر قابل‌ملاحظه‌ای بر سطح قیمت‌ها داشته است.

سایبو و نوسا (۲۰۱۱) آثار سیاست پولی را بر تولید بخش‌های اقتصادی در نیجریه طی دوره (۲۰۰۸-۱۹۶۸) بررسی نمودند. ایشان در این مطالعه اثر متغیرهای نرخ ارز، شاخص قیمت سهام، نرخ بهره، میزان اعتبارات به بخش خصوصی و شاخص قیمتی مصرف‌کننده را به‌عنوان ابزارهای سیاست پولی بر تولید بخش‌های مختلف اقتصادی به‌وسیله مدل ARDL تخمین زدند. در این تحقیق، اقتصاد نیجریه به ۶ بخش تقسیم شده است که عبارتند از کشاورزی، معدن، صنعت، ساختمان، تجارت عمده و خرده‌فروشی و خدمات. نتایج به‌دست آمده حاکی از آن است که بخش صنعت به هیچ‌یک از ابزارهای سیاست پولی واکنش نشان نمی‌دهد، در حالی‌که بخش خدمات و عمده و خرده‌فروشی به نرخ ارز و بخش کشاورزی نیز تنها به تغییرات در نرخ بهره حساس هستند. به‌علاوه، نرخ بهره و نرخ ارز از عوامل اصلی تعیین‌کننده رشد تولید بخش معدن هستند و در بخش ساختمان بیشتر، تغییرات نرخ ارز و اعتبارات هستند که تأثیرگذارند و به‌طور کلی نرخ ارز مهم‌ترین و تأثیرگذارترین ابزار سیاست پولی در اقتصاد نیجریه شناخته شده است.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-02]

لاچال و ووماک (۱۹۹۸) اثر سیاست‌های کلان اقتصادی را بر بخش کشاورزی کانادا بررسی نمودند. نتایج نشان داد سیاست‌های کلان اقتصادی بر قیمت‌های نسبی بخش کشاورزی مؤثر است. همچنین، سیاست‌های تجاری به‌طور معناداری بر قدرت رقابت محصولات کشاورزی کانادا تأثیر می‌گذارند. خلاصه مطالعات پیشین در جدول (۱) آورده شده است.

جدول ۱. خلاصه مطالعات پیشین

محقق	مدل	نتایج مطالعه
موسوی و همکاران	VECM	تأثیر مثبت سیاست مالی در کوتاه‌مدت و بلندمدت بر تولید بخش کشاورزی
حاجیان و همکاران	VAR	سیاست‌های پولی و مالی تأثیر مثبت بر تولید دارد. در کوتاه‌مدت سیاست پولی تأثیر بیشتر و در بلندمدت سیاست مالی تأثیر بیشتری داشته است.
ساسولی و صالح	ARDL	سیاست مالی تأثیر مثبت و سیاست پولی تأثیر منفی دارد.
مجتهد و شریفی	SVAR	سیاست مالی اثر مثبت و حجم پول و نرخ ارز تأثیر منفی دارد.
مقدسی و یزدانی	VAR	هر دو سیاست تأثیر مثبت و تأثیر سیاست مالی بیشتر از سیاست پولی است.
سایبو و نوسا	ARDL	درکوتاه‌مدت نرخ بهره اثر منفی و در بلندمدت اعتبارات بانکی تأثیر مثبت دارد.
لاچال و ووماک	2SLS	تأثیرگذاری سیاست‌های کلان اقتصادی بر قیمت‌های نسبی بخش کشاورزی

مأخذ: نتایج تحقیق.

همانطور که از جدول خلاصه مطالعات پیشین مشخص است؛ اگرچه تأثیر سیاست پولی بر ارزش‌افزوده این بخش در تحقیقات متفاوت بوده است، اما سیاست مالی همواره تأثیر مثبت بر آن داشته است.

٤. بررسی متغیرهای تحقیق

در این بخش به بررسی روند متغیرها به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۶ در طول ۴ برنامه توسعه ۵ ساله پس از انقلاب و در کل دوره تحقیق پرداخته خواهد شد. به‌دلیل اینکه آمار مربوط به حجم نقدینگی پس از سال ۱۳۸۶ موجود نیست، بررسی برنامه چهارم توسعه از سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۳۸۶ صورت خواهد گرفت.

٤-١. بررسی متغیرها در طول برنامه اول توسعه

در برنامه اول توسعه پس از انقلاب که اطلاعات مربوط به آن در جدول (۲) آورده شده است؛ سیاست پولی و مالی انبساطی در پیش گرفته شده است. طی این برنامه مخارج دولت ۱۰۹/۷ درصد

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-02]

رشد داشته و بیش از دو برابر شده است و حجم نقدینگی نیز از رشد ۲۹/۷۱ درصد برخوردار بوده است که نسبت به رشد مخارج دولت کمتر است. بنابراین، در این برنامه بیشترین تأکید بر سیاست مالی بوده است. ارزش‌افزوده بخش کشاورزی نیز از ۲۹۹۲۶ میلیاردریال در سال ۱۳۶۸ به ۳۹۰۷۷ میلیاردریال در پایان‌برنامه رسیده است که حکایت از رشد ۳۶/۲۳ درصدی دارد.

جدول ۲. میزان و رشد متغیرها در برنامه اول توسعه

	بخش کشاورزی		مخارج واقعی دولت (میلیاردریال)		نقدینگی واقعی (میلیاردریال)	
سال	ارزش‌افزوده (میلیاردریال)	رشد ارزش‌افزوده (درصد)	حجم	رشد (درصد)	حجم	رشد (درصد)
۱۳۶۸	۲۹۹۲۶	۴/۳	۲۵۲/۴۳۸۶	-۱۳/۰۷	۱۰۹۶/۶۸۴	۱/۳۷
۱۳۶۹	۳۳۲۲۷	۱۱	۳۲۵/۳۲۸۰	۲۸/۸۷	۱۲۳۴/۹۱۹	۱۲/۶۰
۱۳۷۰	۳۵۰۹۴	۵/۶	۳۶۱/۱۹۶۴	۱۱/۰۳	۱۲۷۸/۰۵۴	۳/۴۹
۱۳۷۱	۳۸۷۰۴	۱۰/۳	۳۸۵/۵۴۸۴	۶/۷۴	۱۲۸۵/۵۲۰	۰/۵۸
۱۳۷۲	۳۹۰۷۷	۱	۶۰۸/۹۴۷۵	۵۷/۹۴	۱۴۰۳/۳۵۳	۹/۱۷
کل برنامه		۳۶/۲۳		۱۰۹/۷		۲۹/۷۱

مأخذ: نتایج تحقیق.

٤-۲. بررسی متغیرها در طول برنامه دوم توسعه

جدول (۳) اطلاعات مربوط به برنامه دوم توسعه پس از انقلاب را در خود دارد. در برنامه دوم توسعه شاهد افزایش کمتری در مخارج دولت و حجم نقدینگی نسبت به برنامه اول توسعه هستیم، به طوری‌که در این برنامه مخارج دولت ۴/۷۵ درصد و حجم نقدینگی اقتصاد به میزان ۱/۷۳ درصد رشد کرده است. افزایش کمتر در حجم نقدینگی و مخارج دولت نسبت به برنامه اول با رشد کمتر ارزش‌افزوده بخش کشاورزی در این برنامه نسبت به برنامه دوم همراه است که این امر حکایت از همبستگی مثبت بین سیاست‌های پولی و مالی و ارزش‌افزوده بخش کشاورزی دارد. ارزش‌افزوده بخش کشاورزی طی این برنامه به میزان ۱۰/۸۶ درصد رشد نموده است.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-02]

جدول ۳. میزان و رشد متغیرها در برنامه دوم توسعه

سال	بخش کشاورزی		مخارج واقعی دولت (میلیاردریال)		نقدینگی واقعی (میلیاردریال)	
	ارزش‌افزوده (میلیاردریال)	رشد ارزش‌افزوده (درصد)	حجم	رشد (درصد)	حجم	رشد (درصد)
۱۳۷۴	۴۱۳۸۱	۳/۷	۹۷/۲۶۷۳	-۴/۳۵	۱۲۲۹/۳۶۷	-۷/۹۶
۱۳۷۵	۴۲۷۴۲	۳/۳	۶۶۶/۴۶۸۳	۱۱/۵۹	۱۳۶۷/۹۸۷	۱۱/۲۸
۱۳۷۶	۴۳۱۶۲	۱	۶۵۴/۳۸۰۰	-۱/۸۱	۱۳۴۲/۸۶۳	-۱/۸۴
۱۳۷۷	۴۷۷۲۲	۱۰/۶	۵۹۸/۸۵۱۰	-۸/۴۹	۱۳۵۸/۱۸۴	۱/۱۴
۱۳۷۸	۴۴۲۳۸	-۷/۳	۶۵۴/۱۵۸۰	۹/۲۴	۱۳۵۸/۸۸۰	۰/۰۵
کل برنامه		۱۰/۸۶		۴/۷۵		۱/۷۳

مأخذ: نتایج تحقیق.

٤-۳. بررسی متغیرها در طول برنامه سوم توسعه

میزان و رشد متغیرهای تحقیق در برنامه سوم توسعه در جدول (۴) ارائه شده است. در این برنامه، ارزش‌افزوده بخش کشاورزی رشدی معادل ۲۰/۹ درصدی داشته است. حجم نقدینگی و مخارج دولت طی این برنامه بیش از ۵۰ درصد رشد داشته‌اند. با توجه به رشد بالاتر مخارج دولت نسبت به حجم نقدینگی می‌توان نتیجه گرفت که در این برنامه نیز همانند برنامه‌های قبلی تأکید بر اجرای سیاست مالی بوده است.

جدول٤. میزان و رشد متغیرها در برنامه سوم توسعه

سال	بخش کشاورزی		مخارج واقعی دولت (میلیاردریال)		نقدینگی واقعی (میلیاردریال)	
	ارزش‌افزوده (میلیاردریال)	رشد ارزش‌افزوده (درصد)	حجم	رشد (درصد)	حجم	رشد (درصد)
۱۳۷۹	۴۵۷۷۴	۳/۵	۶۵۷/۷۹۱۴	۰/۵۶	۱۵۵۹/۸۶۷	۱۴/۷۹
۱۳۸۰	۴۴۷۳۸	-۲/۳	۷۰۴/۳۱۵۳	۷/۰۷	۱۸۰۴/۱۴۴	۱۵/۶۶
۱۳۸۱	۵۰۸۰۵	۱۳/۶	۹۸۲/۱۶۱۷	۳۹/۴۵	۲۰۲۶/۸۱۶	۱۲/۳۴
۱۳۸۲	۵۳۳۲۰	۵	۱۰۵۸/۱۶۵	۷/۷۴	۲۲۱۰/۷۳۲	۹/۰۷
۱۳۸۳	۵۳۴۸۸	۰/۳	۱۱۰۸/۳۰۴	۴/۷۴	۲۴۹۸/۶۰۵	۱۳/۰۲
کل برنامه		۲۰/۹		۸۳/۹۲		۶۹/۴۲

مأخذ: نتایج تحقیق.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-02]

٤-٤. بررسی متغیرها در طول برنامه چهارم توسعه

به‌دلیل نبود آمار مربوط به حجم نقدینگی سال‌های پایانی برنامه چهارم به بررسی اطلاعات مربوط به سال‌های (۱۳۸۶-۱۳۸۴) که در جدول (۵) آورده شده است، پرداخته می‌شود.

جدول۵. میزان و رشد متغیرها در برنامه چهارم توسعه

سال	بخش کشاورزی		مخارج دولت (میلیاردریال)		نقدینگی واقعی (میلیاردریال)	
	ارزش‌افزوده (میلیاردریال)	رشد ارزش‌افزوده (درصد)	حجم	رشد (درصد)	حجم	رشد (درصد)
۱۳۸۴	۵۸۳۸۹	۹/۲	۱۴۵۸/۱۳۷	۳۱/۵۶	۲۹۹۴/۲۱۱	۱۹/۸۴
۱۳۸۵	۶۱۱۳۴	۴/۷	۱۶۰۶/۱۷۸	۱۰/۱۵	۳۶۷۴/۳۹۰	۲۲/۷۲
۱۳۸۶	۶۵۰۶۲	۶/۴	۱۴۱۶/۷۴۷	-۱۱/۷۹	۴۰۳۸/۸۸۶	۱۱/۱۴
کل		۲۱/۶۴		۲۷/۸۳		۶۳/۴۴

مأخذ: نتایج تحقیق.

در این سال‌ها برای نخستین بار حجم نقدینگی بیشتر از مخارج دولت رشد نموده است، به طوری‌که حجم مخارج دولت از رشد ۲۵/۹۶ درصدی و حجم نقدینگی از رشد ۶۳/۴۴ درصدی برخودار بوده است. همچنین، ارزش‌افزوده بخش کشاورزی نیز در طول این سال‌ها از ۱۱۱۴۷۱ میلیاردریال به ۱۲۵۸۶۸ میلیارد رسیده است که حکایت از رشد حدود ۲۶ درصدی دارد.

٤-٥. بررسی متغیرها در کل دوره مورد بررسی

از بررسی جدول (۶) که نشان‌دهنده رشد متغیرها در کل دوره مورد بررسی است، مشخص می‌شود که ارزش‌افزوده واقعی بخش کشاورزی طی این دوره ۱۲۶/۸۳ درصد رشد نموده است. اقتصاد کشور در این دوره با سیاست پولی و مالی انبساطی مواجه شده است که در این راستا بیشتر تأکید بر سیاست مالی انبساطی بوده است. حجم مخارج واقعی دولت در این دوره ۳۸۷/۸۸ درصد افزایش داشته است که نسبت به حجم نقدینگی واقعی با رشد ۲۷۷/۴۷ درصد بیشتر است.

جدول٦. بررسی متغیرها در طول کل دوره مورد بررسی

متغیر	۱۳٦۷	۱۳۸٦	رشد(درصد)
ارزش‌افزوده واقعی بخش کشاورزی (میلیاردریال)	۲۸۶۸۳	۶۵۰۶۲	۱۲۶/۸۳
حجم نقدینگی واقعی (میلیارد ریال)	۱۰۸۱/۹۰۳	۴۰۸۳/۸۸۶	۲۷۷/۴۷
حجم مخارج واقعی دولت (میلیارد ریال)	۲۹۰/۳۸۶۲	۱۴۱۶/۷۴۷	۳۸۷/۸۸

مأخذ: نتایج تحقیق.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-02]

۵. نتیجه‌گیری

بخش کشاورزی به لحاظ دارا بودن قابلیت‌ها و ظرفیت‌های قابل‌توجه و به لحاظ نقشی که در تأمین مواد اولیه برخی صنایع و مواد غذایی مردم دارد از اهمیت بالایی برخوردار است. سیاست‌های پولی و مالی از مهم‌ترین سیاست‌هایی هستند که در زمینه مدیریت تقاضا مورد استفاده قرار می‌گیرند. اجرای این سیاست‌ها یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاستگذاری برای دستیابی به اهداف کلان اقتصادی از جمله توزیع عادلانه درآمد، افزایش نرخ رشد اقتصادی و سطح اشتغال و ثبات قیمت‌ها می‌باشد. در این مطالعه، رابطه حجم نقدینگی واقعی (به‌عنوان نماینده سیاست پولی) و مخارج دولتی (به‌عنوان نماینده سیاست مالی) با تولید بخش کشاورزی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاکی از آن است که در طول برنامه‌های توسعه هر زمان در اقتصاد کشور سیاست‌های پولی و مالی انبساطی‌تری اعمال شده ارزش‌افزوده بخش کشاورزی نیز رشد بیشتری داشته است. در مطالعات پیشین بررسی شده نیز اگرچه سیاست پولی بر ارزش‌افزوده این بخش تأثیر متفاوت نشان داده، اما سیاست مالی انبساطی همواره تأثیر مثبت بر آن داشته است.

منابع

اسنودن، بی و همکاران (۱۳۸۳)، *راهنمای نوین اقتصاد کلان*، ترجمه منصور خلیلی‌عراقی و علی سوری، انتشارات برادران، چاپ اول.

برانسون، ویلیام.اچ (۱۳۸۲)، *تئوری و سیاست‌های اقتصاد کلان*، ترجمه عباس شاکری، چاپ ششم، تهران: نشر نی.

حاجیان، محمدهادی و همکاران (۱۳۸۶)، "بررسی تأثیر سیاست‌های پولی و مالی بر متغیرهای عمده بخش کشاورزی ایران"، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، سال هفتم، شماره چهارم، صص ۴۷-۲۷.

حکیمی‌پور، ن و کریمی، ع (۱۳۸۳)، "عملکرد بخش کشاورزی ایران در سه برنامه توسعه پس از انقلاب و چالش‌های عمده این بخش"، *فصلنامه بانک و کشاورزی*، شماره ۵، صص ۱۹۳-۱۶۵.

ساسولی، محمدرضا و ایرج صالح (۱۳۸۶)، "تأثیر سیاست‌های پولی و مالی بر بخش کشاورزی"، *ویژه‌نامه ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران*، سال اول، شماره ۳، صص ۲۴۲-۲۳۳.

سبحانی، محمدباقر (۱۳۷۵)، *بررسی تأثیر سیاست‌های پولی و مالی در اقتصاد ایران با استفاده از مدل سنت لوئیس*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، بخش اقتصاد دانشگاه شیراز.

مجدزاده طباطبایی، شراره (۱۳۷۶)، *بررسی اثرات سیاست‌های تثبیت اقتصادی بر متغیرهای حقیقی کلان اقتصادی: مطالعه موردی ایران*، پایان‌نامه کاشناسی‌ارشد، بخش اقتصاد دانشگاه شیراز.

مقدسی، ر و یزدانی، س (۱۳۸۲)، "رابطه متغیرهای عمده بخش کشاورزی با سیاست‌های پولی و مالی"، *مجموعه مقالات سومین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران*، صص ۲۱۱-۱۹۰.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-02]

موسوی، س و همکاران (۱۳۸۹)، "بررسی اثرات سیاست مالی بر ارزش‌افزوده بخش‌های کشاورزی و صنعت در ایران"، *تحقیقات اقتصاد کشاورزی*، شماره ۴، صص ۱۳۴-۱۲۱.

Lachall, L. & A.W. Womack (1998), "Impacts of Trade and Macroeconomic Canadian Economics", *American Journal of Agricultural*, Vol. 80, PP. 42-534.

Saibo, M.O. & I.P. Nwosa (2011), "Effects of Monetary Policy on Sectoral Output Growth in Nigeria (1986-2008)", *Journal of Economics and Behavioral Studies*, Vol. 2, PP. 245-254.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-02]

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-02]